

شناسایی علل پیش بینی کننده طلاق

فاطمه متاجی نیموری^۱، فائزه سالاریان^۲

^۱ فاطمه متاجی نیموری، دکتری مدیریت، مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

^۲ فائزه سالاریان، کارشناسی ارشد روانشناسی

چکیده

یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است، که به عنوان مسئله ای اجتماعی می تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه ی بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی را پدید آورد. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل پیش بینی کننده طلاق می باشد. با توجه به هدف، روش تحقیق مطالعه ای و از لحاظ ماهیت موضوع تحلیلی – توصیفی است. ابزار گردآوری داده مقالات و کتب می باشد. نتایج تحقیق نشان داد ازجمله علل طلاق دلزدگی زناشویی، تحمل پریشانی، احساس تنهایی، بی توجهی مردان به زنان، بی مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، عدم حضور مؤثر در منزل، نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت، شرایط خانوادگی، دخالت های خانواده ها، پایگاه اقتصادی – اجتماعی فرد، شغل، درآمد، اعتیاد و شبکه های مجازی و ... می باشد. لذا به سازمان ها و مسئولین زیربط پیشنهاد می شود که جلسات و کارگاه های آموزشی مدون در زمینه ازدواج پایدار و افزایش مهارت های زناشویی برگزار و همچنین ترویج فرهنگ مراجعه خانواده به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات از طریق رسانه های ملی انجام گیرد تا بتوان این مسئله اجتماعی را کاهش دهند.

واژه های کلیدی: پیش بینی کننده، طلاق، زنان، مردان.

مقدمه

خانواده، به عنوان کوچکترین و مهمترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساختار اجتماعی محسوب می شود. خانواده، اولین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی در جامعه است که هم می تواند ضامن سلامت و هم بقای آن باشد، اما خانواده همیشه قادر به نگهداشت، انسجام و هدایت اعضای خود نیست و بروز عواملی می تواند موجب گسست در بین اعضای آن شود [۲]. امروزه خانواده با چالش ها و آسیب هایی مواجه است که از یکی مهم ترین آن ها طلاق و افزایش میزان آن است. طلاق را می توان شیوه ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص، قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکلیفی ندارند [۱۴].

یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است. طلاق در جامعه، به مثابه تزلزل اجتماعی و بی ثباتی است که این امر احتمال دارد به کم بهاشدن خانواده و ارزش های خانوادگی منجر شود و افزایش آسیب های اجتماعی از قبیل اعتیاد، الکلیسم و انحرافات جنسی را پدید آورد [۶]. سیر صعودی طلاق در کشور، در حال جابجا کردن رکوردهای جهانی است، براساس آمارهای غیررسمی، ایران در زمینه ی آمار طلاق به رتبه ی چهارم جهان، صعود کرده است [۲]. بررسی آمار طلاق در سازمان ثبت احوال کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون نشان دهنده افزایش سالانه میزان طلاق در کشور است. به طوری که از تعداد ۹۴۰۳۹ طلاق در سال (۱۳۸۵) به ۱۷۶۹۲۲ طلاق در سال (۱۳۹۶) به ازای ۶۰۵۴۰۴ مورد ازدواج افزایش پیدا کرده است. همچنین نسبت ازدواج به طلاق نیز هر ساله کاهش می یابد [۱۲]. لزوم ارزیابی گسترده و فراگیر عوامل طلاق بر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می افزاید.

طلاق به عنوان مسئله ای اجتماعی می تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی را پدید آورد. این آثار و پیامدها عوارضی را هم برای زنان و مردان و هم برای فرزندان به همراه دارد [۱۵]. بی تردید افزایش دامنه آفت های جامعه که باید دست اندرکاران کشور را به تأمل و چاره اندیشی اساسی وا دارد، معلولی بیش نیست. برای مقابله با این پدیده های نابهنجار باید ابتدا علل و عوامل موثر بر این معضل را بررسی و شناسایی کنیم. در غیر اینصورت هر راه حلی اگرچه با صرف هزینه های زیاد، بی تأثیر خواهد ماند [۹]. علی رغم اهمیتی که موضوع طلاق دارد از آنجا که پژوهش های گذشته نشان داده تحقیقی با این موضوع انجام نشده است، لذا هدف پژوهش حاضر، شناسایی علل پیش بینی کننده طلاق می باشد.

مبانی نظری

طلاق در لغت، به معنای رهاکردن و آزاد کردن و در اصطلاح به معنای ازاله ی قیدالنکاح بصیغه مخصوصه است، یعنی گسستن پیوند ازدواج با لفظی مخصوص [۹].

در تبیین روانشناختی طلاق میتوان به دیدگاه "طلاق یک فرآیند ماتم" که توسط وایزمن و براساس اصول نظریه بحران در مورد فرآیند طلاق بسط داده شد و یا به نظریه شش مرحلهای طلاق که توسط بوهانان ۱۹۶۸ که فرایند طلاق را متشکل از شش مرحله میداند و یا نظریه تحلیلی کسلر که دیدگاه، توصیفی روانشناختی از پدیده ی طلاق است و فرآیند طلاق را به هفت مرحله ی هیجانی: الف _ مرحله ی آگاهی اولیه، ب _ مرحله ی افول علاقه یا تقلیل ارتباط زن و شوهر ج _ مرحله ی کناره گیری د _ مرحله ی جدایی فیزیکی یا جسمی ر _ مرحله ی ماتم و مرحله ی آگاهی یا بیداری ثانویه ز _ مرحله ی کشف خود و تلاش جدی است، تقسیم میکند، اشاره کرد [۴].

دورکیم معتقد است در جریان انتقال از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی ارزش های جمعی تضعیف می شوند، تعهد افراد به جامعه کاهش می یابد و هر فرد می کوشد تمایلات شخصی خود را دنبال کند. بنابراین، دورکیم عامل طلاق را همچون آنومی، همبستگی و انسجام یا همان تراکم میداند. در مدل تحلیل دورکیم، شرایط آنومیک و آن هنگام که جامعه تعادل و

نظم پیشین خود را از دست داده است و دچار نابسامانی و پریشانی شده است، آسیب های اجتماعی مانند طلاق و خودکشی افزایش می یابد که عمدتاً ناشی از پیامدهای مدرنیته و ورود به دوره مدرن معاصر است [۸].

از نظر کاسلو اسپرانکل و استورم طلاق در برگرفته سه دوره است: ۱- تصمیم گیری (دوره قبل از طلاق) ۲- بازسازی (دوره حین طلاق) ۳- بهبودی (دوره پس از طلاق). دوره نخست با تجربیات نارضایتی روزافزون نسبت به روابط زناشویی در هر یک از زوجین آغاز می شود و با اقداماتی در زمینه بررسی روند قانونی طلاق و در میان گذاشتن آن با دوستان و خویشاوندان ادامه می یابد. دوره دوم، زمان تمرکز بر واقعیت های مرتبط با مسائل اقتصادی طلاق، حضانت و سرپرستی بچه ها و موضوع هم والدینی است. این دوره با احساسات مبهمی چون ترس، تنهایی، خشم و طرد عجین شده است. در دوره سوم، افراد سعی در کشف تجربیات و هویت و منابع عشق دارند. این دوره برای برخی مهیج اما برای بعضی با پشیمانی و مقاومت در پذیرش واقعیت همراه است [۱۶].

عوامل مؤثر بر طلاق و ناسازگاری زناشویی برگرفته از تئوری های مرتبط

تفاوت های فردی و فرهنگی: بسیاری از اختلافات در روابط زناشویی به دلیل عدم تناسب زوجین از نظر ویژگی های فردی و فرهنگی می باشد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از: تناسب سن، تناسب فیزیکی، باورها و عقاید فکری و مذهبی، وضعیت اقتصادی و بافت فرهنگی - اجتماعی.

عدم بلوغ فکری و عاطفی: بلوغ عاطفی متضمن وجود بده - بستان عاطفی و قابلیت درک احساس دیگری یا همدلی است و فراتر از همه به رسمیت شناختن نیازهای دیگری و پذیرش مسئولیت برآوردن آن نیازها است.

مشکلات اقتصادی: زوجینی که تحت فشار روانی - اقتصادی هستند با انواع مسائل در حال مبارزه اند. در طول زمان وجود فشارهای مالی، ارتباط زن و شوهر را تحت تأثیر قرار می دهد. این فشارها می تواند باعث گوشه گیری، فشار عاطفی و افسردگی در افراد شود.

اعتیاد: اعتیاد به مواد مخدر یا الکل، تأثیرات زیانباری بر فرد، خانواده و جامعه دارد و یکی از عوامل مهم در بروز طلاق می باشد. اعتیاد به مواد مخدر بالای ویرانگر خانواده و جامعه و مخرب ترین عامل روح و روان آدمی است.

خیانت: خیانت به عنوان یکی از علل مهم طلاق و جدایی گزارش شده است. گلاس و رایت (۲۰۰۰)، سه نوع خیانت را مشخص کردند، خیانت جسمی، عاطفی و ترکیبی از هر دو. در واقع آنها معتقدند ممکن است در یک ازدواج خیانتی اتفاق بیفتد اما هرگز نزدیکی فیزیکی یا جنسی اتفاق نیفتاده باشد [۱۱].

پیشینه

گلای و عالی شاه (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان جنسیت و تمایز عادت واره: بررسی مقایسه ای فهم و تجربه ی زنان و مردان در مواجهه با طلاق (مورد مطالعه: شهر تبریز) به این دست یافتند که ازجمله شرایط علی در شکل گیری طلاق: خشونت، خیانت و بی بند و باری جنسی-اخلاقی، نارضایتی جنسی، ازدواج پر مخاطره، اعتیاد، اختلافات فکری و نگرشی خانواده ها، مسائل اقتصادی و ازدواج زود هنگام می باشد.

احدی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد به این دست یافتند که طلاق در سالهای اولیه زندگی مشترک نتیجه نقصانهای فردی، زوجی و ضعفهای خانوادگی و فرهنگی اجتماعی زوجین است.

رمضانی فر و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن به این دست یافتند که بی توجهی مردان به زنان، بی مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، عدم حضور مؤثر در منزل و نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت موجب بروز طلاق عاطفی شده و عواملی همچون شرایط خانوادگی و

دخالت های خانواده ها و پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد، شغل، درآمد، مدت زمان ازدواج و سن زوجین موقع ازدواج باعث تشدید عوامل علی مؤثر بر طلاق عاطفی می شود.

دینانی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل روانشناختی مؤثر در طلاق به این دست یافتند که عوامل روانشناختی در قبل و بعد از ازدواج در شکل گیری طلاق موثرند.

محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق به این دست یافتند که دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی و احساس تنهایی بر گرایش به طلاق تأثیر می گذارد.

فریبرز و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی جامعه شناختی رابطه اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی در خانواده های تهرانی به این دست یافتند که اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای صمیمیت، از خود بیگانگی، دینداری، سلامت روانی و پایبندی نسبت به ارزش ها و سنت ها بر طلاق عاطفی تأثیرگذار و دارای رابطه ی معنادار می باشد.

علاقبند و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان پیش بینی طلاق عاطفی، سبک های مقابله ای، کیفیت زندگی، هیجان خواهی با میانجی گری تاب آوری به این دست یافتند که کیفیت زندگی و سواد عاطفی به طور مستقیم و منفی، سبک مقابله ای هیجان مدار و هیجان خواهی بطور مستقیم و مثبت بر طلاق عاطفی تأثیر دارد.

احمدوند و مرتضوی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان واکاوی تأثیرپذیری پدیده طلاق از فضای سایبر و شبکه های اجتماعی به این دست یافتند که استفاده از شبکه های اجتماعی و مجازی، می تواند بر مشکلات زناشویی و درخواست برای طلاق در بین زوجین، تأثیرات شایان توجهی بگذارد.

خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان تبیین فرایند شکل گیری طلاق: یک پژوهش کیفی به این نتایج دست یافتند که شکل گیری ازدواج نامطلوب، خشونت، پیمان شکنی زناشویی و ارتباط نارسای زوجین بر طلاق زوجین تأثیر دارد.

بهنیا و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان رابطه دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی زنان در شرف طلاق با میانجی گری روان بنه های سازش نیافته اولیه به این دست یافتند که دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد باعث شکل گیری اکثر روان بنه های سازش نیافته اولیه می شوند و از طریق همین روان بنه ها در مراحل بعدی زندگی، زمینه خشونت خانگی را فراهم می سازد که در زنان در شرف طلاق تأثیر می گذارد.

فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق ایران به این دست یافتند که عواملی همچون مداخله اقوام و اطرافیان، اعتیاد، تفاوت ارزش ها و عدم تفاهم (میان عوامل اجتماعی) و عواملی مانند بیکاری و مشکل امرار معاش (در میان عوامل اقتصادی) بیشترین تأثیر را بر طلاق دارد و با افزایش مهارت و دانش ارتباطی بین زن و مرد میتوان از میزان طلاق کم کرد.

رضازاده و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل زمینه ای و علل مؤثر بر طلاق: یک تحلیل اکتشافی به این دست یافتند که فقدان آگاهی های مناسب از ازدواج و عدم مهارت کافی در تنظیم روابط زناشویی بر طلاق تأثیرگذار می باشد.

زارعان و چابکی (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان علل اجتماعی طلاق و ارائه راهکارها به این دست یافتند که دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، دروغگویی، سوءظن و بدبینی، اعتیاد، انزجار و تنفر، عدم توانایی در مهارت های ارتباطی، ازدواج های تحمیلی در شیوع طلاق مؤثر می باشد.

وینکینگ و کاستر (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان زمان بندی، آغازگران و علل طلاق در جامعه میانگنار میسکیتو در نیکاراگوئه به این دست یافتند که کودکان اثر کمی بر طلاق دارند و جنسیت در طلاق نقش دارد، طلاق در زنان نسبت به مردان بیشتر است.

ایزورا و کوپه (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان وراثت و تعارضات خانوادگی: بررسی انتقال دارایی و شکل‌گیری روابط بین‌نسلی، خانواده‌ها، روابط و جوامع به این دست یافتند که مهم‌ترین عوامل ایجاد ناسازگاری‌ها، عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و در نتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیر واقع‌بینانه از یکدیگر است.

اومورو (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی علل و راه‌حل‌های طلاق در شهر نایروبی، کنیا، به این دست یافتند که در کنار دلایل عدیده‌ای که منجر به طلاق زوجین می‌گردند، عمده‌ترین علل گرایش زوجین به طلاق شامل عملکرد جنسی نامناسب بوده است.

موهلاتلول، سیتھول و سیریندی (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان عوامل منجر به طلاق در میان زوج‌های جوان در لبوواکمو، با این دست یافتند که عدم ارتباط و یا ارتباط نادرست به طور مستقیم و معنی‌داری با میزان گرایش به طلاق زوجین جوان مورد مطالعه رابطه داشته‌اند.

گریمالدی (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان تاثیر تحصیل طلاق: بررسی آزمایشی ارزیابی والدین در دوره‌های آموزشی مبتنی بر باورهای ارتباطی از برنامه آموزشی و آگاهی دولت نیویورک به این دست یافتند که والدین شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مبتنی بر باورهای ارتباطی جهت آگاه‌سازی و رضایت زناشویی والدین، دارای باورهای ارتباطی مناسب، سطح رضایت زناشویی بالاتر و در نتیجه آگاهی و اثربخشی بیشتری در مقایسه با والدین دیگر می‌باشند.

ووایستا و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان تأثیرات خواهر و برادر بر طلاق در هلند به این دست یافتند که یک خواهر یا برادر مطلقه حتی پس از اصلاح تعدادی از عوامل زمینه‌ای مشترک، خطر طلاق بیشتری داشت، از جمله طلاق والدین و خواهر و برادر کوچکتر ارتباط ضعیف‌تری با فرد دارد خطر طلاق نسبت به طلاق خواهر و برادر بزرگتر بیشتر می‌باشد، با گذشت زمان ضعیف می‌شود.

لئوپولد و کالمیجین (۲۰۱۶)، در پژوهشی تحت عنوان آیا طلاق زوجین با داشتن بچه دردناک‌تر است؟ به این دست یافتند که آشفتگی‌ها و پریشانی‌های هیجانی منجر به ناتوانی زوجین در مدیریت رابطه خود و دلزدگی ایشان می‌گردد. همچنین به نظر می‌رسد احساس تنهایی در افراد نیز که می‌تواند از همین آشفتگی‌ها ناشی گردد، مشکلات را تشدید کرده و منجر به ایجاد تعارض بیشتر در زوجین می‌گردد.

تساپلاس و آرون و اورباچ (۲۰۱۶)، در پژوهشی تحت عنوان خستگی در وضعیت تاهل با رضایت کمتر از ۹ سال به این دست یافتند که دلزدگی زناشویی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. این موضوع سبب می‌شود تا زوجین نتوانند پاسخ مناسبی برای حل اختلاف‌هایشان بیابند.

دوماراجو (۲۰۱۶)، در پژوهشی تحت عنوان الگوهای طلاق و جدایی در آسیا به ویژه هند نشان داد الگوهای طلاق در این نواحی کماکان تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی جامعه و سطح تحصیلات زنان است، به طوری که در مناطقی که نفوذ این هنجارهای فرهنگی و سطح تحصیلات قوی‌تر و بیشتر باشد، میزان استحکام و پایداری پیوندهای زناشویی در برابر طلاق نیز بیشتر است.

روش پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش که شناسایی علل پیش‌بینی‌کننده طلاق می‌باشد، پژوهش حاضر با توجه به هدف مطالعه‌ای و از لحاظ ماهیت موضوع تحلیلی – توصیفی است. برای گردآوری داده‌ها از مقالات و کتب استفاده شد.

یافته ها

با توجه به بررسی و و مطالعه انجام شده، طلاق در زنان نسبت به مردان بیشتر است و علل تأثیرگذار بر طلاق هنجارهای فرهنگی جامعه و سطح تحصیلات زنان، مؤلفه شناختی - منشی، رفتاری، هیجانی - عاطفی، تعارض در نقشها و ویژگیهای جنسیتی، دلزدگی زناشویی، تحمل پریشانی، احساس تنهایی، بی توجهی مردان به زنان، بی مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، عدم حضور مؤثر در منزل، نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت، شرایط خانوادگی، دخالت های خانواده ها، پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد، شغل، درآمد، مدت زمان ازدواج، سن زوجین موقع ازدواج، مسئولیت گریزی، بدبینی، پنهانکاری، عزت نفس پایین، تفاوت های شخصیتی، پرخاشگری، رفتار بچگانه، توهین و بددهنی، اعمال محدودیتهای بی منطق، تحقیر کردن، اعتیاد به الکل / مواد مخدر، فقدان استقلال شخصی، تفاوت نگرشی و فکری، فقدان صمیمیت زناشویی، تعارض های فرآینده، خیانت زناشویی، خشونت زوجی، توقعات بالا، عدم تعهد در قبال همسر، مشکلات شدید مالی، نارضایتی جنسی، قهر و متارکه مکرر، عدم توافق بر سر مسائل اساسی، جابه جایی نقش ها، عدم انعطاف پذیری و مکملیت، عدم مشارکت، بی اعتمادی متقابل، مستقل نبودن از خانواده اصلی، تفاوت فاحش در آداب و رسوم خانواده ها، نارضایتی خانواده در ازدواج، بیکاری، وابستگی مالی مرد به خانواده خود، مُدگرایی، فقدان انسجام در خانواده اصلی، سابقه طلاق در خانواده، عدم دریافت خدمات مشاوره ای، تفاوت مذهبی در عمل، عامل علاقه به خانواده، دغدغه تکرار ازدواج، ازدواج تحمیلی، ضرب و شتم، دروغگویی، سوء ظن و بدبینی، انزجار و تنفر، اعتیاد اینترنتی، خیانت و بی بندوباری جنسی اخلاقی، ازدواج پرمخاطره، اختلافات فکری و نگرشی، دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد، تفاوت ارزش ها و عدم تفاهم، بیکاری و مشکل امرار معاش، ارتباط ناکارآمد خانواده ی ناکارآمد، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، مشکلات روانی و پزشکی زوجین، فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، عدم کیفیت زندگی و عدم سواد عاطفی، ناسازگاری ها، عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و در نتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیر واقع بینانه از یکدیگر میتوان اشاره کرد.

نتیجه گیری

بایستی به این نکته اشاره کرد که با توجه به تفاوت روش این تحقیق با تحقیقات دیگر در مورد طلاق، پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع تحلیلی - توصیفی است. در پاسخ به سوال اصلی پژوهش، عوامل علی طلاق با توجه به مطالعه انجام شده، عواملی همچون هنجارهای فرهنگی جامعه و سطح تحصیلات زنان، مؤلفه شناختی - منشی، رفتاری، هیجانی - عاطفی، تعارض در نقشها و ویژگیهای جنسیتی، دلزدگی زناشویی، تحمل پریشانی، احساس تنهایی، بی توجهی مردان به زنان، بی مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، عدم حضور مؤثر در منزل، نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت، شرایط خانوادگی، دخالت های خانواده ها، پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد، شغل، درآمد، مدت زمان ازدواج، سن زوجین موقع ازدواج، مسئولیت گریزی، بدبینی، پنهانکاری، عزت نفس پایین، تفاوت های شخصیتی، پرخاشگری، رفتار بچگانه، توهین و بددهنی، اعمال محدودیتهای بی منطق، تحقیر کردن، اعتیاد به الکل / مواد مخدر، فقدان استقلال شخصی، تفاوت نگرشی و فکری، فقدان صمیمیت زناشویی، تعارض های فرآینده، خیانت زناشویی، خشونت زوجی، توقعات بالا، عدم تعهد در قبال همسر، مشکلات شدید مالی، نارضایتی جنسی، قهر و متارکه مکرر، عدم توافق بر سر مسائل اساسی، جابه جایی نقش ها، عدم انعطاف پذیری و مکملیت، عدم مشارکت، بی اعتمادی متقابل، مستقل نبودن از خانواده اصلی، تفاوت فاحش در آداب و رسوم خانواده ها، نارضایتی خانواده در ازدواج، بیکاری، وابستگی مالی مرد به خانواده خود، مُدگرایی، فقدان انسجام در خانواده اصلی، سابقه طلاق در خانواده، عدم

دریافت خدمات مشاوره ای، تفاوت مذهبی در عمل، عامل علاقه به خانواده، دغدغه تکرار ازدواج، ازدواج تحمیلی، ضرب و شتم، دروغگویی، سوء ظن و بدبینی، انزجار و تنفر، اعتیاد اینترنت، خیانت و بی بندوباری جنسی اخلاقی، ازدواج پرمخاطره، اختلافات فکری و نگرشی، دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد، تفاوت ارزش ها و عدم تفاهم، بیکاری و مشکل امرار معاش، ارتباط ناکارآمد خانواده ی ناکارآمد، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، مشکلات روانی و پزشکی زوجین، فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، عدم کیفیت زندگی و عدم سواد عاطفی، ناسازگاری ها، عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و در نتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیر واقع بینانه از یکدیگر می باشد که با پژوهش های گلایبی و عالیشاه (۱۴۰۰)، احدی و همکاران (۱۴۰۰)، رضانی فر و همکاران (۱۴۰۰)، دینانی و همکاران (۱۳۹۹)، محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، فریرز و همکاران (۱۳۹۹)، علاقبند و همکاران (۱۳۹۹)، احمدوند و مرتضوی (۱۳۹۹)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۹)، بهنیا و همکاران (۱۳۹۸)، فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۷)، رضازاده و همکاران (۱۳۹۷)، زارغان و چابکی (۱۳۹۶)، وینکینگ و کاستر (۲۰۲۱)، ایزورا و کوپه (۲۰۱۹)، اومورو (۲۰۱۸)، موهلاتلول، سیتهل و سیریندی (۲۰۱۷)، گریمالدی (۲۰۱۷)، وویستا و همکاران (۲۰۱۷)، لئوپولد و کالمیجین (۲۰۱۶)، تساپلاس و آرون و اورباچ (۲۰۱۶)، دوماراجو (۲۰۱۶) همسو می باشد.

منابع و مراجع

۱. احدی، حسن؛ عبداللهی، اصغر، تاجری، بیوک؛ حاجی علیزاده، کبری. ۱۴۰۰. تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد. مجله ی علوم روانشناختی، دوره بیستم، شماره ۹۷، ص ۱۱-۱.
۲. احمدوند، خلیل الله؛ مرتضوی، سیده فاطمه. ۱۳۹۹. واکاوی تاثیرپذیری پدیده طلاق از فضای سایبر و شبکه های اجتماعی. فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره چهارم، شماره پانزدهم.
۳. بهنیا، لیل؛ قربان شیروودی، شهره، خلعتبری، جواد. ۱۳۹۸. رابطه دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی زنان در شرف طلاق با میانجی گری روان بنه های سازش نیافته. مجله علوم روان شناختی، دوره هجدهم، شماره ی ۷۵، ص ۲۸۶-۲۷۵.
۴. تقوی دینانی، پرستو؛ باقری، فریرز؛ خلعتبری، جواد. ۱۳۹۹. مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل روانشناختی مؤثر در طلاق. مجله علوم روان شناختی، دوره نوزدهم، شماره ۸۶، ص ۲۲۸-۲۱۳.
۵. خجسته مهر، رضا؛ بهمنی، ابوطالب؛ سودانی، منصور؛ عباس پوی، ذبیح الله. ۱۳۹۹. تبیین فرایند شکل گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. مجله دست آوردهای روان شناختی (علوم تربیتی و روانشناسی)، دوره ی چهارم، سال ۲۷، شماره ی ۱، ص ۴۶-۲۳.
۶. دهقانی تفتی، زهرا؛ محمدی، اصغر؛ حقیقتیان، منصور. ۱۳۹۸. بررسی جامعه شناسی پیامد های اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال های ۹۶-۹۷ بر اساس معادلات ساختاری. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره پیاپی ۲۴، شماره اول، ص ۹۷-۱۱۵.
۷. رضازاده، سید محمدرضا؛ بهرامی احسان، هادی؛ فاضل، محدثه؛ فلاح، مریم. ۱۳۹۷. بررسی عوامل زمینه ای و علل مؤثر بر طلاق: یک تحلیل اکتشافی. مجله ی علوم روانشناختی، دوره هفدهم، شماره ی ۷۱، ص ۷۶۵-۷۷.
۸. رضانی فر، حدیثه؛ کلدی، علیرضا؛ قدیمی، بهرام. ۱۴۰۰. تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. زن در توسعه و سیاست، دوره نوزدهم، شماره ۲، ص ۱۶۷-۱۹۱.
۹. رضایی، وحید؛ فلاح، محمدحسین؛ وزیری، سعید. ۱۳۹۹. بررسی علل طلاق به شیوه تحلیل روایت در شهرستان یزد و طراحی آموزش پیش نیاز های زوجیت مبتنی بر علل طلاق با رویکرد یادگیری پنهان و با محوریت

- خانواده، مدرسه و دانش آموز. دو ماهنامه علمی دانشکده بهداشت یزد، سال نوزدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۷۹.
۱۰. زارعان، منصوره؛ چابکی، ام البنین. ۱۳۹۶. علل اجتماعی طلاق در زنان و ارائه راهکارها. دومین کنگره بین المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، دانشگاه الزهرا.
 ۱۱. عباسی اسفجیر، علی اصغر؛ خان محمدی اطاقسرا، ارسلان. ۱۳۹۷. بررسی علل طلاق و رابطه آن با امنیت اجتماعی (بر اساس پرونده های موجود در مراکز مداخله در بحران خانواده استان مازندران). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۶، ص ۱۳۱-۱۶۹.
 ۱۲. علاقبند، لیلا؛ پاشا شریفی، حسن؛ فرزاد، ولی الله؛ آقا یوسفی، علیرضا. ۱۳۹۹. پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبکهای مقابلهای، کیفیت زندگی، هیجانخواهی با میانجیگری تاب آوری. مجله علوم روانشناختی، دوره نوزدهم، شماره ۶۱، ص ۷۴۳-۷۳۳.
 ۱۳. فریبرز، زهرا؛ حضرتی صومعه، زهرا؛ ساروخانی، باقر. ۱۳۹۹. بررسی جامعه شناختی رابطه اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی در خانواده های تهرانی. نشریه علمی فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال پانزدهم، شماره ۵۱، ص ۱۵۰-۱۱۷.
 ۱۴. فیروزجانیان، علی اصغر؛ صادقی، سهیل؛ جانمحمدی لرگانی، وحید؛ طاهره. ۱۳۹۷. فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق ایران. مطالعات زن و خانواده، دوره ۶، شماره ۲.
 ۱۵. گلابی، فاطمه؛ شکوهی عالیشاه، احد. ۱۴۰۰. جنسیت و تمایز عادت واره: بررسی مقایسه ای فهم و تجربه زنان و مردان در مواجهه با طلاق (مورد مطالعه: شهر تبریز). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ی ۱۰، شماره ۲، ص ۵۶۰-۵۲۹.
 ۱۶. محمدتقی زاده، مهدیه. ۱۳۹۸. تجربه ی مشاوره اجباری بین متقاضیان طلاق توافقی در شهر تهران. پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال یازدهم، شماره اول، ص ۸۳-۱۱۲.
 ۱۷. محمودپور، عبدالباسط؛ شیری، طاهره؛ فرحبخش، کیومرث؛ ذوالفقاری، شادی. ۱۳۹۹. پیش بینگرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. فصلنامه فرهنگ مشاوره و رواندرمانی، سال یازدهم، شماره ۴۲، ص ۱۲۱-۱۴۱.
۱۸. Amare, T., Woldeyhannes, S. M., Haile, K., & Yeneabat, T. (2018). Prevalence and Associated Factors of Suicide Ideation and Attempt among Adolescent High School Students in Dangila Town. Northwest Ethiopia. Psychiatry Journal. Volume 2018. Article ID 7631453, 9. pages, <https://doi.org/10.1155/2018/7631453>.
 ۱۹. BizuGelayea, GiftyAddaea1, BeemnetNewaya1, Gloria, T. (2017). Larrabure Torrealvabc ChunfangQiud LeeStonere Miguel AngelLuque Fernandezaf Sixto E. Sanchezgh Michelle A. Williamsa. Poor sleep quality. antepartum depression and suicidal ideation among pregnant women. Journal of Affective Disorders. Volume 209, Pages 195-200.
 ۲۰. Ethan C, Jamison, MPH, Kirk A. Bol, MSPH. (2016). previous Suicide Attempt and Its Association With Method Used in a Suicide Death. American Journal of Preventive Medicine. Volume 51. Issue 5. Supplement 3. Pages S226-S233.
 ۲۱. Ian H, Stanleya Melanie A, HomaSallySpencer-ThomasbThomas E. (2017). Joinera. Suicidal thoughts and behaviors among women firefighters: An examination of associated

- features and comparison of pre-career and career prevalence rates. *Journal of Affective Disorders*. Volume 221. Pages 107-114.
۲۲. Konstantinos Tsirigotis, Wojciech Gruszczyn´ski, Marta Tsirigotis- Maniecka. (2015). "Gender Differentiation in Indirect Self- Destructiveness and Suicide Attempt Methods (Gender, IndirectSelf- Destructiveness, and Suicide Attempts)", *Psychiatr Q*. ۸۵:PP ۱۹۷–209.
۲۳. Klonsky, E. D., & May, A. M. (2015). The three-step theory (3ST): A new theory of suicide rooted in the “ideation-to-action” framework. *International Journal of Cognitive Therapy*. 8(2), 114-129.
۲۴. May, A. M., & Klonsky, E. D. (2013). Assessing motivations for suicide attempts: development and psychometric properties of the inventory of motivations for suicide attempts. *Suicide and Life-Threatening Behavior*. 43(5). 532-546.
۲۵. Rogers ML, Ringer FB, Joiner TE. (2018). The association between suicidal ideation and lifetime suicide attempts is strongest at low levels of depression. *Psychiatry research*. 270: 324-8.
۲۶. Roger M.K.Ng, MartinaDi Simplicio, FredaMcManus, HelenKennerley, Emily A.Holmes. (2016). Flash-forwards’ and suicidal ideation: A prospective investigation of mental imagery, entrapment and defeat in a cohort from the Hong Kong Mental Morbidity Survey. *Psychiatry Research*. Volume 246. Pages 453-460
۲۷. Thapar P, Collishaw S, Pine DS and Thapar AK. (2019). Depression in adolescence *Lancet*. 379(9820): 1056-1067.
۲۸. Vijayakumar L.(2015). Suicide in women. *Indian J Psychiatry*. 57:233-8.

Recognition of the predictive causes of a divorce

Fatemeh mataji nimvari¹, Faezeh salarian²

¹Fatemeh mataji nimvari, PhD in Management, University Lecturer, fmatajinemvar@yahoo.com

²Faezeh salarian, Master of General Psychology, faezeh.slrin2021@gmail.com

Abstract

one of the most important family damages is the divorce , which , as a social issue , can create many different issues and consequences , and sometimes the emergence of many other social damage at individual levels and social levels. the aim of this study is to identify the predictive causes of divorce. according to the purpose, the method of research is a study and in terms of the nature of the analytical - descriptive subject. the data collection tool is articles and books. the results showed that lack of effective participation in household, irresponsibility, violence, communication problems, irresponsibility of women to women, irresponsibility, violence, communication and sex problems, family conditions, family intervention, job, income, addiction and virtual networks and etc. Therefore, it is suggested to organizations and officials that codified training sessions and workshops on sustainable marriage and increasing marital skills as well as promoting the culture of family visits to family counseling centers when conflicts arise through national media in order to reduce this social issue.

key words: predictors, divorce, women, men.
